



## بازنمود اطلاعات شیوه در فعل‌های حرکتی فارسی براساس نظریه الگوهای واژگانی شدگی

مریم مسگرخویی<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش‌های زبان‌شناسی شناختی به دنبال یافتن نحوه سازمان‌یابی مفهومی زبان است. در این حوزه، مفهوم «رویداد» پایه اولیه ساختار زبان و شناخت انسان شناخته می‌شود. در این میان، «رویداد حرکت» بیش از سایر پژوهش‌های مشابه مورد توجه زبان‌شناسان شناختی است. اجزای مختلف این رویداد در زبان بازنمود می‌یابد و انسان با توجه به تجربه‌ای که از حرکت خود و موجودیت‌های پیرامونش دارد، این رویداد را مفهوم‌سازی و واژگانی می‌کند. از جمله ابعادی از حرکت که در زبان بازنمود می‌یابد، شیوه و چگونگی به انجام رسیدن آن است. در این مقاله به دنبال یافتن انواع اطلاعاتی از شیوه هستیم که در فعل‌های حرکتی زبان فارسی بازنمود می‌یابد. برای این منظور، با در نظر گرفتن معیارهایی، فعل‌های حرکتی فارسی را از فهرست فعل‌های مندرج در فرهنگ بزرگ سخن (۱۳۸۱) گردآوری و با بررسی معناشناسی آنها انواع شیوه حرکت را مطالعه و دسته‌بندی کرده‌ایم. نتایج نشان می‌دهد که فعل‌های حرکتی فارسی ۲۶ نوع اطلاع درباره شیوه به انجام رسیدن حرکت در بر دارند.

**کلیدواژه‌ها:** رویداد حرکت، الگوی واژگانی شدگی، مسیر، شیوه، فعل شیوه‌نما.

## مقدمه

مقوله‌های زبانی و شناختی انسان براساس تجربه‌های فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی او شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، این تجربه‌ها به شکل اصول مشترک شناختی در ذهن و زبان او متبلور می‌شوند. تحلیل ساخت مفهومی و زبان، در مطالعه شناخت نقشی اساسی دارد و نقطه آغازی برای درک بهتر چگونگی سازمان‌دهی دیگر نظام‌های انسانی است که از طریق تعمیم شباهت‌ها یا از طریق مقایسه تفاوت‌ها حاصل می‌شود. پژوهش‌های انجام‌گرفته در زبان‌شناسی شناختی به دنبال یافتن نحوه سازمان‌یابی مفهومی زبانند. در این حوزه، مفهوم رویداد<sup>۱</sup> پایه اولیه ساختار زبان و شناخت انسان در نظر گرفته می‌شود (گلدبرگ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). پژوهش‌های زبان‌شناسی شناختی درباره ساختار رویداد و بازنمود معنایی آن نشان‌دهنده تفاوت در الگوی بیان این رویدادهاست (تالمی<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵). به این ترتیب، مقوله‌های زبان‌ویژه مسئول مفهوم‌سازی‌های گوناگون و در نتیجه تفاوت در بازنمود رویدادها در زبان هستند. در این میان، رویداد حرکت<sup>۴</sup> بیش از سایر پژوهش‌های مشابه مورد توجه زبان‌شناسان شناختی بوده است

تالمی (۲۰۰۰) که مهم‌ترین نظریه‌پرداز رویداد حرکت در رویکرد شناختی است، حرکت را موقعیتی می‌داند که در آن موجودیتی (پیکر<sup>۵</sup>) با توجه به موجودیتی دیگر (زمینه<sup>۶</sup>) متحمل جابه‌جایی و جنبش می‌شود. این رویداد چهار جزء دارد؛ علاوه بر پیکر و زمینه، مسیر<sup>۷</sup> و جزء حرکت<sup>۸</sup> نیز در رویداد حرکت حضور دارند. مسیر، جهتی است که پیکر با توجه به زمینه می‌پیماید یا اشغال می‌کند. جزء حرکت نیز به رخداد حرکت یا قرار گرفتن در یک مکان اشاره دارد. علاوه بر این، اجزای داخلی، رویداد حرکت هم‌رویدادهای خارجی مانند شیوه حرکت<sup>۹</sup> و سبب<sup>۱۰</sup> را نیز در بر دارد (تالمی، ۲۰۰۰: ۲۵). هر کدام از این اجزا به نحوی در زبان‌های مختلف رمزگذاری می‌شوند و تالمی با مشاهده تفاوت‌ها و شباهت‌های زبان‌ها آنها را در دسته‌بندی‌هایی جا داده است.

## ملاحظات نظری

تالمی (۲۰۰۰) براساس نحوه بیان زبانی جزء اصلی رویداد حرکت، یعنی مسیر، دسته‌بندی دوگانه‌ای از زبان‌ها ارائه می‌دهد. در یک دسته، زبان‌هایی قرار دارند که مسیر را در فعل نشان می‌دهند (برای نمونه، خارج شدن، وارد شدن) و در دسته دیگر زبان‌هایی که مسیر را در اجزایی غیر از فعل بازنمود می‌دهند (برای نمونه، رفتن

1. event
2. A. Goldberg
3. L. Talmy
4. motion event
5. Figure
6. Ground
7. Path
8. Motion
9. Manner
10. Cause

به و رفتن/ز که در آنها مسیر در حروف اضافه به و از باز نمود می‌یابد (همان). به این ترتیب، وی دسته اول را فعل‌بنیاد<sup>۱</sup> و دسته دوم را تابع‌بنیاد<sup>۲</sup> می‌نامد. به بیان دیگر، این دو دسته از زبان‌ها مسیر رویداد حرکت را به دو شکل مختلف واژگانی<sup>۳</sup> می‌کنند. تفاوت در نحوه باز نمود مسیر، باز نمود اجزای دیگر رویداد حرکت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به اینکه زبان‌های تابع‌بنیاد ترجیح می‌دهند مسیر را در اجزای غیر فعلی بیان کنند، فعل اصلی در آنها برای باز نمود شیوه حرکت در دسترس است (برای نمونه، دویدن، خزیدن). در نتیجه، زبان‌وران زبان‌های تابع‌بنیاد عادت‌وار شیوه را در فعل بیان کرده و واژگانی غنی از فعل‌های نشان‌دهنده شیوه می‌سازند و به این ترتیب اطلاعات گوناگونی درباره شیوه حرکت را در فعل رمزگذاری می‌کنند (اسلوبین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). این گونه فعل‌ها شیوه‌نما<sup>۵</sup> نامیده می‌شوند (تالمی، ۲۰۰۰). در مقابل در زبان‌های فعل‌بنیاد، فعل اصلی به بیان مسیر اختصاص داده می‌شود و شیوه در بافت نشان داده می‌شود در یا اجزای دیگری همچون قیدها رمزگذاری می‌شود (مانند با سرعت خارج شد). گفته می‌شود که در این صورت‌ها بار پردازش بیشتر است و به همین دلیل شیوه زمانی نشان داده می‌شود که تأکید خاصی روی آن باشد (اسلوبین و اوزچالیشکان<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳). در نتیجه، جزئیات شیوه حرکت در بیشتر بافت‌ها در زبان‌های فعل‌بنیاد حذف می‌شود.

این تفاوت‌های زبانی به نوبه خود بر سازماندهی باز نمودهای ذهنی تأثیرگذار است و منجر به تصورات ذهنی متفاوتی درباره نحوه حرکت در مکان می‌شود (همان). بنابراین، زبان‌وران زبان‌های فعل‌بنیاد، در نتیجه تأثیر زبان مادری بر فرایندهای شناختی‌شان، احتمالاً شیوه حرکت را به شکل محدودتری در مرکز توجه قرار می‌دهند. به همین قیاس، زبان‌وران زبان‌های تابع‌بنیاد توجه بیشتری به شیوه حرکت می‌کنند و به این ترتیب انواع غنی‌تری از اطلاعات شیوه را در فعل‌های حرکتی رمزگذاری می‌کنند. لازم به ذکر است که زبان‌وران زبان‌های فعل‌بنیاد از روش‌های جبرانی برای بیان شیوه استفاده می‌کنند، برای نمونه ممکن است از بندهای وابسته برای این کار بهره‌جویند (همان).

تالمی (۲۰۰۰) در دسته‌بندی دیگری انواع حرکت را در دو دسته حرکت انتقالی<sup>۷</sup> و حرکت خودمتمکی<sup>۸</sup> جای می‌دهد. منظور از حرکت انتقالی حرکتی است که طی آن پیکر از یک نقطه به نقطه دیگر تغییر مکان می‌دهد. اما در حرکت خودمتمکی پیکر بدون اینکه مکان اصلی خود را تغییر دهد متحمل حرکت درجا می‌شود. انواع حرکت خودمتمکی عبارتند از چرخش، لرزش، تکان و غیره.

طبق رده‌بندی دوگانه تالمی (۲۰۰۰) و نیز معرفی انواع حرکت از سوی او، دسته‌بندی‌های مختلفی از انواع اطلاعات شیوه در زبان‌های گوناگون ارائه شده است، از جمله ایبارتس-آنتونانو<sup>۹</sup> (۲۰۰۶ الف)، اوزچالیشکان

1. verb-framed
2. satellite-framed
3. lexicalized
4. D. I. Slobin
5. manner-verb
6. S. Özçalışkan
7. translational
8. self-contained
9. I. Ibarretxe-Antuñano

(۲۰۰۴)، اسلوبین (۲۰۰۰) و سیفوئنتس فرز<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) که فهرست نسبتاً کاملی از اطلاعات شیوه را پیشنهاد کرده‌اند که در زیر به آنها اشاره شده است. از این فهرست غیر از «حرکت با صدا»، همه انواع شیوه در فارسی کاربرد دارد. همچنین نگارنده دو نوع دیگر از شیوه را در فعل‌های حرکتی فارسی مشاهده و به این فهرست افزوده است که در بخش ۵ معرفی خواهند شد.

برخی از اطلاعات شیوه فقط در مورد فعل‌هایی که حاوی حرکت خودمتکی هستند صادق است. این اطلاعات عبارتند از:

- وضعیت<sup>۲</sup>:
- جهت‌گیری عمودی (به سمت بالا یا به سمت پایین): *ایستادن، نشستن*
- جهت‌گیری افقی: *دراز کشیدن*
- جهت‌گیری نامشخص: *کش دادن*
- خمیدگی: *دولا شدن*
- حلقه‌شدگی: *حلقه شدن*
- به یک سمت: *جاخالی دادن*
- لرزش/تکان/تاب: *لرزیدن*
- چرخش: *پیچیدن*
- جهش: *شنا رفتن*
- وارونه: *واژگون شدن*
- حرکت تکرارشونده: *کف زدن*

همان‌گونه که گفته شد، مقوله‌های شیوه در بالا اساساً با افعال شیوه‌نمای توصیف‌کننده حرکت خودمتکی مرتبطند، درحالی‌که مقوله‌های زیر به فعل‌هایی که حرکت انتقالی را نشان می‌دهند مربوطند (یعنی چنین شیوه‌هایی تنها در فعل‌هایی که حاوی حرکت انتقالی هستند اتفاق می‌افتند):

- شکل مسیر: *تلوتلو خوردن*
- الگوی حرکت (الگوهایی که هنگام حرکت شکل می‌گیرد):
- راه رفتن: *پرسه زدن*
- دویدن: *دواندن*
- جهیدن: *پرش کردن*
- پرواز کردن: *پراندن*
- شنا کردن: *شنا کردن*

1. P. Cifuentes Férrez

2. State

- سرعت:
  - سرعت زیاد: سبقت گرفتن
  - سرعت کم: قدم زدن
  - افزایش سرعت: شتاب گرفتن
  - کاهش سرعت: عقب افتادن
  - حرکت بر اثر نیرو (حرکتی که نیاز به تلاش دارد تا به انجام برسد): هل دادن
  - حرکت پنهانی (برای امتناع از دیده شدن): جیم شدن
  - حرکت با مانع: سکندری خوردن
  - حرکت روان (حرکت بدون مانع): سرازیر شدن
  - حرکت با لذت: گردش رفتن
  - بدون هدف در حرکت: پرسه زدن
  - حرکت بدون تعادل: تلوتلو خوردن
  - حالت پیکر (حالت فیزیکی یا روانی): لنگیدن
  - رقص: رقصیدن
  - وسیله نقلیه/بزار: اسکیت کردن
  - برخورد بین پیکر و زمینه: خزیدن
  - کاربرد پایین‌تنه: رکاب زدن
  - کاربرد عضوی از بدن: پرپر زدن
  - حرکت در صف: رژه رفتن
  - حرکت در ورزش: شنا رفتن
  - حرکت بازی‌وار: جست‌وخیز کردن
  - حرکت بدون کنترل: چپ کردن
  - حرکت دشوار: لنگیدن
  - حرکت با صدا: roar
- لازم به ذکر است که فعل‌های حرکتی همزمان می‌توانند چند شیوه را نشان دهند، بنابراین می‌توان آنها در دو یا چند دسته قرار داد.

### پژوهش‌های پیشین در زبان فارسی

در مطالعه‌ای بر روی فعل‌های حرکتی فارسی، عنوان شده است که فارسی دارای الگوی واژگانی شدگی ترکیب شیوه و حرکت است. از این رو طبق این تحلیل، فارسی در رده‌ی زبان‌های تابع‌بنیاد قرار می‌دهد (ازکیا،

۱۳۹۰). اما در بررسی دیگری بر روی این زبان (مسگرخویی، ۱۳۹۲)، این نتیجه حاصل شد که زبان فارسی تقریباً به‌طور مشابه از فعل‌های شیوه‌نما و مسیرنما برای بیان رویداد حرکت استفاده می‌کند. به این معنا که تعداد فعل‌های شیوه‌نما و مسیرنما در این زبان تفاوت چشمگیری ندارد، اما همانند بسیاری از زبان‌های شاخه ژرمانی خانواده زبان‌های هندواروپایی تمایزش به بازنمود شیوه در فعل قدری بیشتر است. بنابراین نمی‌توان با قاطعیت گفت که فارسی در زمره زبان‌های تابع‌بنیاد قرار می‌گیرد، بلکه باید فارسی را در حالتی بینابین بین زبان‌های تابع‌بنیاد و فعل‌بنیاد در نظر گرفت. این نتیجه در مورد زبان فارسی مؤید فرضیه برمن و اسلوبین (۱۹۹۴) و ایبارتس- آنتونانو (۲۰۰۴الف) است مبنی بر اینکه زبان‌ها لزوماً در یک رده زبانی خاصی قرار نمی‌گیرند، بلکه تمایل خود را به رده‌ای خاص نشان می‌دهند. به هر روی می‌توان در فارسی شمار زیادی از فعل‌های حرکتی را یافت که شیوه حرکت را بازنمایی می‌کنند. این فعل‌ها انواع مختلفی از اطلاعات را درباره شیوه حرکت رمزگذاری می‌کنند. در این مقاله تلاش بر آن است که این اطلاعات درباره شیوه از فعل‌های حرکتی فارسی استخراج و دسته‌بندی شود. به‌طور کلی می‌خواهیم بدانیم فعل‌های حرکتی فارسی کدام نوع اطلاعات شیوه را در بر دارند.

### روش پژوهش و گردآوری داده‌ها

برای بررسی نوع اطلاعات شیوه در زبان فارسی، ابتدا از فهرست فعل‌های مندرج در فرهنگ بزرگ سخن، تمام فعل‌هایی را که در تعریف آنها اشاره به حرکت و اجزای آن شده بود، انتخاب کردیم. در این انتخاب سعی کردیم همه موارد انتخاب شده در فارسی امروزی تداول عام داشته باشد. به این ترتیب به‌طور کلی ۳۳۵ فعل حرکتی فارسی گردآوری شد. سپس به بررسی نوع اطلاعات رمزگذاری شده در این فعل‌ها پرداختیم. در این میان ۱۳۰ فعل حرکتی یافت شد که تنها اطلاعات مسیر را رمزگذاری می‌کردند. ۱۶۳ فعل نیز تنها اطلاعات شیوه را بازنمایی می‌کرد و ۳۰ فعل همزمان اطلاعات مسیر و شیوه حرکت را در بر داشتند. همچنین در ۱۲ فعل یا هیچ اطلاعی درباره اجزای حرکت بازنمود نیافته بود و یا اطلاعاتی از قبیل زمینه و پیکر را داشتند. به‌هر روی این ۱۲ مورد در بررسی‌های ما در این مقاله جای ندارند. برای بررسی اطلاعات شیوه، ۱۶۳ فعلی که تنها شیوه را بازنمایی می‌کردند به‌همراه ۳۰ فعلی که همزمان مسیر و شیوه را در بر داشتند انتخاب کردیم. در مجموع ۱۹۳ فعل بررسی شد.

برای هر کدام از فعل‌های شیوه‌نمای انتخاب شده یک مثال از فرهنگ بزرگ سخن یا پایگاه داده‌های زبان فارسی انتخاب کردیم و به‌این ترتیب تلاش کردیم با معیار قرار دادن تعریف و مثال، نوع اطلاعاتی که درباره شیوه در فعل رمزگذاری شده بود را دریابیم. درنهایت بعد از بررسی این نمونه‌ها، به‌طور کلی ۲۵ نوع اطلاعات شیوه از این افعال استخراج و دسته‌بندی شد که در بخش بعد نمونه‌های آن را با جزئیات می‌آوریم.

## فعل شیوه‌نمای فارسی

همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، بسیاری از تحقیقات (برای نمونه، برمن<sup>۱</sup> و اسلوبین، ۱۹۹۴؛ اسلوبین، ۱۹۹۶ الف، ۱۹۹۶ ب، ۱۹۹۷، ۲۰۰۴، ۲۰۰۶) نشان داده‌اند که واژگان فعل‌های شیوه‌نمای زبان‌های تابع‌بنیادی مانند انگلیسی غنی‌تری از زبان‌های فعل‌بنیاد مانند اسپانیایی است. اما بیشتر این تحقیقات اطلاعات دقیقی دربارهٔ نوع جزئیات شیوه رمزگذاری شده در این زبان‌ها به‌دست ندادند. در این بخش ما به دنبال یافتن جزئیات اطلاعاتی هستیم که فعل‌های شیوه‌نمای فارسی دربردارند و می‌خواهیم بدانیم که انواع اطلاعات شیوه در فارسی کدام است و کدام یک از این انواع در فارسی نوع مسلط و رایج‌تر اطلاعات شیوه است. به‌عبارت‌دیگر در این بخش معناشناسی فعل‌های حرکتی شیوه‌نمای فارسی ارائه شده و براساس آن دسته‌بندی‌هایی انجام می‌گیرد.

برای فراهم کردن تحلیلی نظام‌مند از فعل‌های شیوه‌نمای فارسی قصد داریم فعل‌های شیوه‌نما را بر اساس دو نوع حرکتی که فعل‌ها عموماً به آن دلالت می‌کند دسته‌بندی کنیم؛ یعنی حرکت خودمتکی و حرکت انتقالی؛ زیرا هر کدام از انواع شیوه نشان‌دهندهٔ یکی از انواع حرکت است؛ برای نمونه «وضعیت» نوعی از شیوه است که حرکت خودمتکی را توصیف می‌کند، در حالی که الگوی حرکت (راه رفتن، دویدن) عموماً حرکت انتقالی را نشان می‌دهد. باید به خاطر داشته باشیم که وقوع انواع شیوه در فعل‌ها از توزیع تکمیلی برخوردار نیست، یعنی فعل‌های شیوه‌نما گاهی به بیش از یک ویژگی از شیوه دلالت دارند؛ برای نمونه پیاده‌روی کردن می‌تواند «الگوی حرکت راه رفتن»، «سرعت پایین» و «گام‌های منظم» (کاربرد پایین‌تنه) را توصیف کند. این امر باعث به وجود آمدن مشکلاتی در دسته‌بندی افعال شیوه‌نما می‌شود و باعث می‌شود فهرستی از انواع مختلف شیوه برای یک فعل در پیکره به دست بیاید. برای امتناع از این مشکل، ما در دسته‌بندی‌های خود به انواعی از شیوه توجه می‌کنیم که در تعریف فعل مورد نظر در فرهنگ لغت بیشتر بر آن تاکید شده باشد.

جدول ۱ توزیع فعل‌های شیوه‌نمای فارسی (شمار فعل‌ها در هر مقوله و سهم آنها در پیکره کلی فعل‌های شیوه‌نمای فارسی) که حرکت خودمتکی را بیان می‌کنند نشان می‌دهد.

جدول ۱. توزیع فعل‌های شیوه‌نمای فارسی (حرکت خودمتکی)

تعداد	حرکت خودمتکی
جمعاً ۳۶	وضعیت که عبارت است از:
۱۷	خمیدگی
جمعاً ۵	جهت‌گیری عمودی که عبارت است از:
۳	به پایین
۲	به بالا



۵	جمع‌شدگی
۳	جهت‌گیری افقی
۲	به یک سمت
۲	جهت‌گیری نامشخص
۲	حلقه‌شدگی
۲۰	لرزش/تاب/تکان
۱۰	حرکت تکرار شونده
۹	چرخش
۶	وارونگی
۳	جهش
۸۴	کل
۱۹۳	کل فعل‌های شیوه‌نمای فارسی

برای شروع بحث درباره فعل‌های شیوه‌نمای فارسی که حرکت خودمتکی را توصیف می‌کنند، با انواعی از شیوه شروع می‌کنیم که در واژگان فعلی فارسی بیش از انواع دیگر واژگانی شده‌اند:

۱. وضعیت (۳۶ فعل)

حالت یا وضعیت بدن نوعی از شیوه است که در زبان‌ها در واژگان زیادی بازنمود می‌یابد؛ زیرا به موقعیت‌های مختلف بدن انسان، حیوان یا اشیایی که با آن مانند بدن جانداران رفتار می‌شود دلالت دارد. حالت بدن ممکن است گرایش افقی یا عمودی به خود بگیرد، خم شود و یا به یک سمت متمایل گردد. بنابراین، این نوع از شیوه به گروه‌های زیر تقسیم می‌شود:

الف. خمیدگی (۱۷ فعل): تا کردن، تعظیم کردن، دولا شدن، دولا کردن، رکوع کردن

ب. جهت‌گیری عمودی - به پایین (۳ فعل): زانو زدن، نشستن، چمباتمه زدن

پ. جهت‌گیری عمودی - به بالا (۲ فعل): بلند شدن، پا شدن

ت. جمع‌شدگی (۵ فعل): جمع شدن، خیز برداشتن، قوز کردن، مچاله کردن

ث. جهت‌گیری افقی (۳ فعل): دراز کردن، دراز کشیدن، لم دادن

ج. به یک سمت (۲ فعل): تکیه زدن/کردن، جاخالی دادن

چ. جهت‌گیری نامشخص: کش آمدن، کش دادن

ح. حلقه‌شدگی: حلقه شدن، حلقه کردن

به نظر می‌رسد در این فعل‌ها، یک عامل خارجی باعث می‌شود پیکر موقعیت یا جهت‌گیری خاصی از بدن اتخاذ کند.

۲. لرزش/تاب/تکان (۲۰ فعل): تپیدن، تکاندن، جنباندن، جنبیدن، لرز کردن، لرز گرفتن، لرزاندن،

لرزیدن



این نوع از شیوه شامل مواردی است که در آن پیکر بدون این که مکان اصلی خود را تغییر دهد با تکان‌های پی‌درپی و حرکات نوسانی کوتاه و معمولاً تکرارشونده به جنبش درمی‌آید. برخی از فعل‌ها، لرزیدن پیکر را به دلیل احساسات شدید یا سرما نشان می‌دهند.

۳. حرکت تکرارشونده (۱۰ فعل): *بال زدن، بال‌بال زدن، بال‌بال کردن، پارو زدن، پرپر زدن، دست‌وپا زدن*

این فعل‌ها دلالت می‌کنند بر پیکری که به طور متوالی و اغلب با استفاده از یک وسیله یا عضوی از بدن خود به صورت درجا حرکتی را انجام می‌دهند.

۴. چرخش (۹ فعل): *پیچاندن، چرخ خوردن، چرخ دادن، معلق خوردن/زدن*  
طبق گفته لوین و راپپورت - هوواو (۱۹۹۲) و لوین (۱۹۹۳)، فعل‌های چرخشی دلالت دارند بر حرکت حول یک محور که می‌تواند هم به حرکت عاملی و هم حرکت غیرعاملی اشاره کنند و هنگامی که با یک گروه حرف اضافه همراه می‌شود می‌تواند حرکت انتقالی را نیز به تصویر بکشند.

۵. وارونگی (۶ فعل): *چپ شدن، چپ کردن، وارونه شدن، وارونه کردن، واژگون شدن، واژگون کردن*  
این گروه از فعل‌ها دلالت می‌کنند بر حرکت پیکری که به دلیلی از حالت عادی خود خارج شده و بدون اینکه جابجا شود بخش بالایی‌اش در زیر قرار گرفته است.

۶. جهش (۳ فعل): *پشتک زدن، شنا رفتن، طناب زدن*  
این فعل‌ها دلالت می‌کند بر جهش پیکر بعد از برخورد با یک سطح. به نظر می‌رسد که این گونه حرکت‌ها نیاز به انرژی مضاعفی دارد تا به انجام برسد.

بعد از بررسی انواع شیوه که در مقوله حرکت خودمتکی قرار می‌گرفت به انواعی از شیوه می‌پردازیم که دارای حرکت انتقالی هستند. جدول ۲ توزیع عمومی فعل‌های شیوه‌نمای انتقالی را در فهرست واژگان فعل‌های شیوه‌نمای فارسی نشان می‌دهد.

جدول ۲. توزیع فعل‌های شیوه‌نمای فارسی (حرکت انتقالی)

تعداد	حرکت انتقالی
جمعاً ۳۳	الگوی حرکت که عبارت است از:
۱۵	راه رفتن
۸	جهیدن
۵	پرواز کردن
۵	دویدن
۱	شنا کردن
جمعاً ۲۴	سرعت که عبارت است از:
۱۶	زیاد
۵	کاهش



۲	افزایش
۱	کم
۱۵	شکل مسیر
۱۴	حرکت بر اثر نیرو
۱۱	کاربرد عضوی از بدن
۱۰	وسیله نقلیه/ابزار
۹	حرکت بدون کنترل
۷	کاربرد پایین تنه
۶	برخورد بین پیکر و زمینه
۵	حرکت با لذت
۳	حرکت بازی‌مانند
۳	حرکت دشوار
۳	حالت پیکر
۳	حرکت در ورزش
۲	شروع حرکت
۲	بدون هدف در حرکت
۲	حرکت بدون تعادل
۱	حرکت با مانع
۱	حرکت در صف
۱	حرکت پنهانی
۱۵۲	کل
۱۹۳	کل فعل‌های شیوه‌نمای فارسی

تحلیل‌های ما نشان می‌دهد که بیشتر فعل‌های شیوه‌نما در فارسی الگوی حرکت، سرعت حرکت و شکل مسیر را رمزگذاری می‌کنند، درحالی که به نظر می‌رسد انواع دیگر شیوه تمایل کمتری به واژگانی شدن دارند. این امر به این معنا نیست که چنین اطلاعاتی در گفتار فارسی منعکس نمی‌شوند، بلکه شاید بتوان گفت که این گونه اطلاعات بیشتر از طریق عناصری غیر از فعل در فارسی نمایان می‌شوند. همچنین باید یادآوری کرد که فعل‌های مختلف ممکن است اطلاعات شیوه‌ای دیگری غیر از آنچه ما بدان اشاره کردیم دربر داشته باشند، اما همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد ما تحلیل‌های خود را بر پایه تعاریف فرهنگ لغت و شاهد‌های یافت‌شده انجام دادیم. بنابراین وجود نقص‌هایی در تحلیل‌های معنایی ممکن است به دلیل نقص در نوع تعریف و روش فرهنگ لغت مورد استفاده باشد.

ما بررسی خود از فعل‌های شیوه‌نمای فارسی را با آن انواعی آغاز می‌کنیم که به نظر می‌رسد بیشتر از سایر انواع در واژگان فعل‌های شیوه‌نمای فارسی واژگانی می‌شوند:

۱. الگوی حرکت (۳۳ فعل)

الف. راه رفتن (۱۵ فعل): *یا گذاشتن، پرسه زدن، پیاده‌روی کردن، تاتی کردن، لنگ زدن، لنگیدن*  
این دسته از فعل‌ها در فرهنگ لغت به عنوان روشی از راه رفتن تعریف می‌شود، به این معنا که پیکر حرکت خود را به هر دلیلی که باشد از طریق راه رفتن به انجام می‌رساند.

ب. جهیدن (۸ فعل): *پرش کردن، جست زدن، جهیدن، جست‌و‌خیز کردن، شیرجه رفتن/زدن، لی‌لی کردن*  
این گروه از فعل‌ها دلالت دارد بر حرکتی که در آن پیکر با فشار خود را از زمین جدا کرده و در جای دیگری فرود می‌آید. به نظر می‌رسد این نوع از شیوه با حرکت خودمتکی مرتبط است، زیرا هنگامی که پیکر می‌پرد یا لی‌لی می‌کند علاوه بر حرکت انتقالی نوعی حرکت درجا هم انجام می‌دهد. اما طبق تعریف‌ها پیکر متحمل نوعی جابجایی می‌شود.

ب. پرواز کردن (۵ فعل): *پر کشیدن، پراندن، پرواز دادن، پرواز کردن، پریدن*  
نوع پرواز کردن از الگوی حرکت اشاره به فعل‌هایی دارد در آن پیکر با فاصله از زمین و در هوا به طرق مختلف در حال حرکت است.

ت. دوییدن (۵ فعل): *بدویدو کردن، تازاندن، دواندن، دوییدن، سکندی خوردن*  
فعل‌های این دسته اشاره دارد به نوعی حرکت که در آن پیکر با سرعت بیشتری نسبت به راه رفتن حرکت می‌کند. برای به انجام رسیدن این نوع حرکت انرژی بیشتری نیاز است و پیکر حرکت خود را با استفاده از پاهای خود انجام می‌دهد.

ث. شنا کردن (۱ فعل): *شنا کردن*  
این فعل فارسی نشان می‌دهد که پیکر با استفاده از دست‌ها و پاهای خود و در زمینه‌ای که متشکل از آب است در حرکت است.

۲. سرعت حرکت (۲۴ فعل): *پرت شدن، پرتاب کردن، تاختن، تازاندن، جلو زدن، جهیدن، حمله کردن، سرعت رفتن، سرعت گرفتن، فرار کردن، قاپیدن، قدم زدن، گریختن، عقب ماندن، شتاب گرفتن*  
این مقوله شامل مجموعه‌ای از فعل‌ها است که اطلاعاتی درباره سرعت حرکت رمزگذاری می‌کنند. برخی دیگر از آنها جزئیات دیگری از شیوه را نیز رمزگذاری می‌کند. در این نوع از شیوه، ۱۶ فعل سرعت زیاد حرکت را نشان می‌دهند (مانند *پرت شدن* و *پرتاب کردن*)؛ ۵ فعل کاهش سرعت را بیان می‌کند (مانند *عقب ماندن*)؛ ۲ فعل افزایش سرعت حرکت را نشان می‌دهد (*سرعت گرفتن، شتاب گرفتن*)؛ و ۱ فعل سرعت پایین حرکت را نشان می‌دهد (*قدم زدن*).

۳. شکل مسیر (۱۵ فعل): *پیچ‌وتاب خوردن، تلوتلو خوردن، چرخ خوردن، چرخاندن، چرخیدن، قیقاج دادن، کش‌وقوس آمدن/خوردن، لولیدن، وول خوردن*  
طبق تعریف در این فعل‌ها پیکر مسیری دایره‌وار یا منحنی مانند را می‌پیماید.

۴. حرکت بر اثر نیرو (۱۴ فعل): *پرتاب کردن، چپاندن، حمله کردن، فوران کردن، کشیدن، هل دادن،*

یورش بردن

این دسته از فعل‌ها نشان می‌دهند که پیکر با سختی و تلاش و اغلب با سرعت زیاد حرکت می‌کند. *فوران* کردن را شاید بتوان در مقوله حرکت با صدا نیز قرار داد اما چون در تعریف آن اشاره‌ای به صدا نشده است ما از قرار دادن آن در مقوله گفته شده صرف نظر می‌کنیم.

۵. کاربرد عضوی از بدن (۱۱ فعل): *بال زدن*، *بال‌بال زدن*، *پر کشیدن*، *دست زدن*، *دست کردن*، *دست‌وپا زدن*

در تعاریفی که برای این دسته از فعل‌ها داده شده است آمده است که پیکر از عضوی از بدن خود برای حرکت استفاده می‌کند، برای نمونه در دست کردن از دست و در دست‌وپا زدن از دست‌ها و پاها استفاده می‌شود.

۶. وسیله نقلیه/ابزار (۱۰ فعل): *اسکیت کردن*، *پارو زدن*، *تاختن*، *رکاب زدن*، *رانندگی کردن*، *طناب زدن* این گروه از فعل‌ها نشان دهنده حرکت روی حیوانات، دراروی وسیله نقلیه و دراروی نوعی ابزار است.

۷. حرکت بدون کنترل (۹ فعل): *چپ شدن*، *چپ کردن*، *زمین خوردن*، *سر خوردن*، *سریدن*، *لغزیدن*، *لیز خوردن*

تعاریف‌هایی که برای این گروه از فعل‌ها داده شده است نشان می‌دهد که پیکر بدون اینکه کنترلی بر نوع حرکت خود داشته باشد و اغلب با جزئیات دیگری از شیوه می‌آید. شاید بتوان برخی از فعل‌های این دسته را در گروه حرکت بدون تعادل نیز قرار داد. اما به نظر می‌رسد تعاریف فرهنگ نیز در این زمینه آشکار و روشن‌کننده نباشد.

۸. کاربرد پایین تنه (۷ فعل): *جفتک انداختن*، *رکاب زدن*، *لگد زدن*، *لگد کردن*، *لی‌لی کردن* در این فعل‌ها پیکر برای حرکت کردن به نحو خاصی از پا استفاده می‌کند.

۹. برخورد بین پیکر و زمینه (۶ فعل): *خزیدن*، *سر خوردن*، *سرازیر شدن*، *سریدن*، *لغزیدن*، *لیز خوردن* این گروه از فعل‌ها دلالت دارند بر اینکه بدن پیکر به زمینه نزدیک است یا با آن به صورت سطحی برخورد می‌کند و به آسانی بر روی زمینه حرکت می‌کند. همچنین از تعاریف می‌توان چنین استنباط کردن که پیکر کنترلی بر حرکت خود روی زمینه را از دست داده است. به علاوه برخی از این فعل‌ها اطلاعات معنایی بیشتری را رمزگذاری می‌کنند؛ برای نمونه، *خزیدن* نشان می‌دهد که شکل مسیری که پیکر دنبال می‌کند شبیه شکل مسیر خزنده‌ها است.

۱۰. حرکت با لذت (۵ فعل): *چرخ زدن*، *گردش رفتن*، *گردش کردن*

این فعل‌ها برای حرکت‌هایی به کار می‌روند که هدف از آن نوعی تفریح و خوش‌گذرانی است. برخی از فعل‌ها ممکن است هم الگوی حرکت راه رفتن را دربر داشته باشند و هم دلالت کنند بر استفاده از نوعی وسیله نقلیه.

۱۱. حرکت بازی‌مانند (۳ فعل): *بلوبلو کردن*، *جست‌وخیز زدن/کردن*، *ورجه‌ورجه کردن*

در این گونه فعل‌ها پیکر با انرژی زیاد در جهت‌های مختلف و معمولاً با حالتی که حاکی از شادی و سرزندگی است به فعالیت می‌پردازد.

۱۲. حرکت دشوار (۳ فعل): *شلیدن، لنگ زدن، لنگیدن*  
در این دسته از فعل‌ها آنچه از تعاریف برداشت می‌شود این است که پیکر هنگام راه رفتن به سبب جراحی که دارد با نوعی سختی مواجه است.
۱۳. حالت پیکر (۳ فعل): *شلیدن، لنگ زدن، لنگیدن*  
این سه فعل علاوه بر اینکه الگوی حرکت راه رفتن را واژگانی کرده‌اند به حالت آسیب‌دیده پیکر نیز اشاره دارند.
۱۴. حرکت در ورزش (۳ فعل): *شنا رفتن، پشتک زدن، دریبل زدن*  
دریبل زدن نوعی حرکت در برخی از ورزش‌ها مانند فوتبال و بسکتبال است که در آن پیکر با استفاده از مهارت پاهای خود توپ را به جلو می‌برد. *شنا رفتن و پشتک زدن* نیز به نوعی حرکات ورزشی اشاره دارند.
۱۵. شروع حرکت (۲ فعل): *راه افتادن*  
این نوع از شیوه که مقوله‌های پیشنهادی نگارنده است فعل‌هایی را در بر می‌گیرد که لزوماً به شروع حرکت پیکر اشاره می‌کنند. به این ترتیب که پیکر توسط عاملی به حرکت کردن وادار می‌شود.
۱۶. بدون هدف در حرکت (۲ فعل): *پرسه زدن، ول گشتن*  
این ۲ فعل نشان می‌دهند که پیکر بدون اینکه هدف خاصی داشته باشد و معمولاً با پای پیاده در مکانی در حال حرکت است.
۱۷. حرکت بدون تعادل (۲ فعل): *تاتی کردن، تلوتلو خوردن*  
در *تاتی کردن و تلوتلو خوردن* پیکر گام‌های نامنظم و ناستوار برمی‌دارد، بنابراین می‌توان گفت که این فعل در دسته حرکت بدون تعادل قرار می‌گیرد. در بسیاری مواقع حرکت بدون تعادل همراه با اطلاعات معنایی بیشتری در فعل است؛ برای نمونه فعل *تاتی کردن* همزمان نشان‌دهنده الگوی حرکت راه رفتن نیز است.
۱۸. حرکت با مانع (۱ فعل): *سکندری خوردن*  
این فعل نشان می‌دهند که پیکر هنگام راه رفتن یا دویدن، با مانعی بر سر راهش مواجه می‌شود.
۱۹. حرکت در صف (۱ فعل): *رژه رفتن*  
این فعل دلالت دارد بر حرکت پیکر در یک ردیف و احتمالاً همراه با افراد دیگر.
۲۰. حرکت پنهانی (۱ فعل): *جیم شدن*  
پیکر فعل *جیم شدن* برای اجتناب از دیده شدن به طور پنهانی و به آرامی از جایی که در آن است خارج می‌شود.

### جدول ۳. توزیع فعل‌هایی که همزمان حرکت انتقالی و خودمتکی را نمایان می‌کنند

تعداد	حرکت انتقالی + خودمتکی
۶	غلتیدن
۳	رقص
۹	کل
۱۹۳	کل فعل‌های شیوه‌نمای فارسی

۱. غلتیدن (۶ فعل): غلت خوردن/زردن، غلت دادن، غلتاندن، غلتیدن، قل خوردن، قل دادن  
این نوع از مقوله شیوه که در فهرست پیشنهادی اسلوبین (۲۰۰۰) و اوزچالیشکان (۲۰۰۴) و فرز (۲۰۰۸) به آن اشاره نشده است، در زمره حرکت خودمتکی قرار گرفته است؛ زیرا با توجه به داده‌های ما و تعاریف داده شده برای آنها به نظر می‌رسد که هم از نوع انتقالی و هم از نوع خودمتکی باشند. در این فعل‌ها پیکر علاوه بر اینکه دور خود می‌چرخد در مسیری نیز به حرکت درمی‌آید. همچنین این فعل‌ها اطلاعاتی درباره شکل پیکر نیز می‌دهند. برای به انجام رسیدن این فعل‌ها لازم است که پیکر شکلی دورانی داشته باشد. به این ترتیب نگارنده نوع خاصی از حرکت را که همزمان حاوی دو نوع حرکت انتقالی و خودمتکی است را معرفی می‌کند.

۲. رقص (۲ فعل): رقصاندن، رقصیدن، قر دادن  
این گروه از فعل‌های شیوه‌نما به معنای اجرای عمل رقص هستند. پیکر هنگام رقصیدن یا رقصانده شدن هم دست‌ها و پاهای خود را تکان می‌دهد و هم مکان خود را تغییر می‌دهد. این نوع از شیوه نیز در فهرست پیشنهادی فرز (۲۰۰۸) در گروه فعل‌های انتقالی آورده شده است. اما به نظر می‌رسد نمی‌توان از حرکت درجای پیکر هنگام انجام دادن این فعل‌ها چشم‌پوشی کرد.

### نتیجه‌گیری

سؤال اصلی ما در این پژوهش این بود که فعل‌های شیوه‌نمای فارسی کدام نوع اطلاعات را دربردارند. جدول‌های ۱ و ۲ توزیع فعل‌های شیوه‌نمای فارسی را براساس نوع حرکت (خودمتکی یا انتقالی) و مقوله‌های دقیق شیوه فهرست کرده‌اند. تعداد فعل‌ها نیز در کل پیکره در این جدول‌ها مشخص شده است. طبق این جدول‌ها فارسی قادر است مجموعه بزرگی از اطلاعات معنایی را در مورد شیوه‌ای که پیکر از طریق آن حرکت می‌کند نشان می‌دهند.

به‌طورکلی ۸۴ فعل شیوه‌نما از نوع حرکت خودمتکی در پیکره ما وجود دارد. در این بین رایج‌ترین انواع شیوه که می‌توانند در فعل‌های حرکتی فارسی رمزگذاری شوند عبارتند از «وضعیت» و «لرزش/تکان/تاب». از سوی دیگر انواعی از شیوه که در فارسی کمتر رواج دارد عبارتند از «حرکت تکرار شوند»، «چرخش»، «وارونگی» و «جهش».

در بین فعل‌های حرکتی انتقالی ۲۰ نوع شیوه قابل مشاهده است. رایج‌ترین انواع شیوه از نوع انتقالی عبارتند از «الگوی حرکتی»، «سرعت» و «شکل مسیر». انواع دیگری که کمتر در فارسی رایج هستند عبارتند از «برخورد بین پیکره و زمینه»، «حرکت با لذت»، «حرکت بازی‌مانند»، «حرکت دشوار»، «حالت پیکر»، «حرکت در ورزش»، «شروع حرکت»، «بدون هدف در حرکت»، «حرکت بدون تعادل» «حرکت با مانع»، «حرکت در صف»، و «حرکت پنهانی».

### منابع

- ازکیا، ندا (۱۳۹۰)، حرکت در زبان فارسی: دیدگاهی شناختی و رده‌شناسی، پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- مسگرخویی، مریم (۱۳۹۲)، بازنمود حرکت در زبان فارسی: رویکردی شناختی، پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Berman, R. & Slobin, D. I. (1994), *Relating Events in Narrative: a Cross linguistic Developmental Study*, Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Cifuentes Férrez, P. (2008), *Motion in English and Spanish: a Perspective from Cognitive Linguistics, Typology and Psycholinguistics*, Doctoral dissertation, Spain: University de Murcia.
- Goldberg, A. (1998b), *Patterns of Experience in Patterns of Language*, In Michael Tomasello (ed.), *the New Psychology of Language*. Lawrence Erlbaum Publications, pp 203-219.
- Ibarretxe-Antuñano, I. (2004a), *Motion Events in Basque Narratives*, In S. Strömquist & L. Verhoeven (Eds.), *Relating Events in Narrative: Typological and Contextual Perspectives in Translation*, Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, pp. 89-112.
- Ibarretxe-Antuñano, I. (2006a), *Sound Symbolism and Motion in Basque*, Munich: Lincom Europa.
- Levin, B. (1993), *English Verb Classes and Alternations: a Preliminary Investigation*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Levin, B. & Rappaport Hovav, M. (1992), *The Lexical Semantics of Verbs of Motion: the Perspective from Unaccusativity*, In I. M. Roca (Ed.), *Thematic Structure: its Role in Grammar*. Berlin & New York: Fortis, pp. 247-269.
- Özçalışkan, Ş & Slobin, D. I. (2003), *Codability Effects on the Expression of Manner of Motion in Turkish and English*, In A.S. Özsoy, D. Akar, M. Studies in Turkish Linguistics. Istanbul: Boğaziçi University Press, pp. 259-270.
- Özçalışkan, Ş. (2004), *Typological Variation in Encoding the Manner, Path, and Ground Components of a Metaphorical Motion Event*, *Annual Review of Cognitive Linguistics*, 2, 73-102.

- Slobin, D. I. (2000), Verbalized Events: a Dynamic Approach to Linguistic Relativity and Determinism. In S. Niemeier & R. Dirven (Eds.) Evidence for Linguistic Relativity, Berlin: Mouton de Gruyter, pp. 107-138.
- Slobin, D. I. (1996a), From 'Thought and Language' to 'Thinking for Speaking'. In J. Gumperz & S. C. Levinson (Eds.), Rethinking Linguistic Relativity, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 195-217.
- Slobin, D. I. (1996b), Two Ways to Travel: Verbs of Motion in English and Spanish, In M. Shibatani & A. Thompson (Eds.), Essays in Semantics, Oxford: Oxford University Press, pp 195-317.
- Slobin, D. I. (1997), Mind, Code and Text, In J. Bybee, J Haiman, & S. A. Thompson (eds.), Essays on Language Function and Language Type: Dedicated to T. Givón. Amsterdam: John Benjamins, pp. 437-467.
- Slobin, D. I. (2004), The Many Ways to Search for a Frog: Linguistic Typology and the Expression of Motion Events, In S. Strömquist & L. Verhoeven (Eds.), Relating Events in Narrative: Typological and Contextual Perspectives in Translation. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, pp. 219-257.
- Slobin, D. I. (2006), What Makes Manner of Motion Salient?. In M. Hickmann & S. Robert (Eds.), Space In Language: Linguistic Systems and Cognitive Categories. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins, pp. 59-82
- Talmy, L. (1985), "Lexicalization Patterns: Semantic Structure in Lexical Forms", In T. Shopen (Ed.), Language Typology and Lexical Descriptions: Vol. 3, Grammatical Categories and the Lexicon, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 36-149.
- Talmy, L. (2000a), Towards a Cognitive Semantics, Vol. I. Cambridge, MA: MIT Press.
- Talmy, L. (2000b), Towards a Cognitive Semantics. Vol. II. Cambridge, MA: MIT Press.
- WWW.pldb.ihcs.ac.